

یادداشت

گفتمان درخور یک تشکل آموزشی

مهدی بهلولی ـ آموزگار و کنشگر صنفی

● در بهسازی آموزش‌وپرورش، افزون بر دولت که نقش بسیار مهمی دارد، فرهنگیان هم به نوبه خود اثرگذارند. یعنی وضعیت آموزش‌وپرورش بهبود نمی‌یابد مگر با همکاری فرهنگیان. این همکاری، خود را هم در کلاس درس و هنگام آموزش و هم به شکل انجام کار صنفی نشان می‌دهد.

هم‌اکنون یکی از پاره‌های بنیادین در آموزش‌وپرورش بسیاری از کشورهای پیشرو جهان، نهادهای صنفی آموزگاران است. البته در ایران هم از سال‌های پایانی دهه ۷۰و در سراسر کشور، برخی تشکل‌های آموزگاران، راه‌اندازی شدند و با فرازونشیب بسیار، هنوز هم به کار خود ادامه می‌دهند.

به همین پیوند، بحث آسیب‌شناسی این تشکل‌ها، یکی از موضوع‌های مهمی است که باید همواره به آن پرداخت. دراین‌باره یک نکته این است که یک تشکل آموزشی نباید از یاد ببرد تشکلی با هویت آموزشی است. در ادبیات برخی از اندیشه‌وران آموزشی جهانی، آموزگار، کارگری فرهنگی یا آموزش‌بی به‌شمار می‌آید و گه‌گاه به همین عنوان هم از آن یاد می‌شود. اما این سخن به معنای این نیست که فضای اندیشگی یک آموزگار، فضای کارگری است. آموزگار، دست‌کم در ایران کنونی، به طبقه متوسط جامعه تعلق دارد.

به هر حال گفتمان در‌خور یک نهاد مدنی و صنفی آموزگاران، گفتمان طبقه متوسط است. شوربختانه هم‌اکنون در میان برخی کنشگران صنفی آموزگاران، گفتمان تندی دیده می‌شود. اگر این‌ گفتمان، در یک تشکل آموزگاری، دست بالا بگیرد، نخستین پیامد آن این است که آن تشکل صنفی را از جامعه و بدنه خود دور می‌کند و از اثرگذاری راستین می‌اندازد. باید دیگر این است نهاد صنفی که عمدتاً باید با پیشرفت‌های گام‌به‌گام پیش رود، را به فضای درگونی‌های کلی سوق می‌دهد. در کوتاه‌مدت و در این زمان که نارضایتی‌های معیشتی و مادی آموزگاران بالاست، چه‌بسا این گفتمان، گیرایی داشته باشد، اما با نگاهی بلندمدت، می‌توان گفت به نوعی «تغییر هویت» نهاد آموزشی خواهد انجامید.

بایسته یادآوری اینکه این سخنان به معنای نفی پیوند میان نهادهای مدنی آموزگاران، کارگرنان، پرستاران، خیرنگاران و... نیست. یک جامعه مدنی نیرومند، جامعه مدنی هم‌بسته است.اما این هم‌بستگی به معنای تک‌هویتی‌بودن نیست. کار صنفی فرهنگیان، متعلق به خود آنان و از ویژگی‌های خاص خود برخوردار است.

برای کمی روشن‌ترشدن سخن، بگذارید به‌طور مختصر به نمونه‌ای بپردازم. خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش، از آن‌دست موضوع‌های مهمی است که طیف گسترده‌ای از منتقدان چپ و راست را متوجه خود کرده است. اما برخی از گرایش‌های تند متقابل به برخی فضاهای ایدئولوژیک کارگری جهانی انتقاد از خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش را ابزاری برای پیشبرد پروژه «همه یا هیچ» خود کرده‌اند. این نگاه و تکرش، گویا بیش از بهسازی آموزش‌وپرورش، به دنبال نفی کلی هر کار ریزودرشتی است که در آموزش‌وپرورش دارد انجام می‌گیرد.

حسین مرادی: «آقای روحانی، درباره مردم هلیله و بندرگاه دستور انقلابی دهید نه اداری.» این بخشی از نطق پیش از دستور عبدالحمید خدری، نماینده بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس در اواخر تیرماه است که احتمالاً چنین جملاتی در مجلس‌های گذشته هم به گوش نمایندگان رسیده، چراکه معضل این دو روستای محروم همسایه نیروگاه اتمی عمری به درازای همان نیروگاه دارد.

این نطق بغض ۴۰ سال مانده در گلوی قریب پنج هزار ساکن این دو روستای چسبیده به نیروگاه اتمی بوشهر است؛ دو روستایی که بارها قول مساعد برای تعیین‌تکلیف‌شدن گرفته‌اند اما هنوز پادروها و در جایی که قانون منع‌شان کرده، روزگار می‌گذرانند. قول‌هایی برای ماندن و البته قول‌هایی برای انتقال به جایی بهتر؛ ترجیع‌بند راهکارهای مختلفی بوده که برای رهاندن این مردم رنج‌کشیده و صبور در این سال‌ها ارائه شده است. آخرین مورد آن هم از تلویزیون محلی پخش شده است. چندی پیش بود که در شبکه استانی صداوسیما بوشهر، رسماً از اطمینان‌خاطر مردم برای ماندن در دیار آبا و اجدادی‌شان صحبت شد، بااین‌حال، ابراهیمی، اولین فرماندار بوشهر در دولت تدبیر و امید، علت استعفایش را ناامیدی از تحقق وعده‌هایی اعلام کرده که پیرامون تعیین تکلیف مردم این دو روستا داده بود.

بی‌شهر: بلا تکلیف و بی‌مکان

جنوب شرق شبه‌جزیره بوشهر جاده معروف به جاده نیروگاه قرار دارد که علاوه بر مرکز شماره‌گذاری خودرو که باعث رفت‌وآمد مردم استان به آنجاست، بعد از طی‌کردن حدود ۱۵ کیلومتر به روستایی با قدمت هزارساله می‌رسید که نام قدیم آن «بی‌شهر» و نام امروزی آن هلیله است؛ روستایی با بیش از ده هزار و ۵۰۰شفر جمعیت که شغل بیشتر ساکنان آن ماهیگیری است و عده‌ای هم با اندک نخل‌هایی که از بی‌آبی جان به در برده‌اند، روزگار سخت و پرمشقتی را می‌گذرانند. از هلیله و نیروگاه که عبور کنید روستای ساحلی بندرگاه نمایان می‌شود که دیگر همسایه نیروگاه است که فاصله‌اش با آن بیش از حد مجاز نزدیک است. بندرگاه بیش از دو هزار نفر جمعیت دارد که بیشتر آنها از اسکله صیادی روستا امرارمعیاش می‌کنند. روستایی که علاوه بر صید ماهی و میگو که تابستان‌ها ساکنان بوشهر را برای خرید به آنجا می‌کشاند، دارای میدان بزرگی است که از دیرباز مردم اطراف برای دیدن مراسم تعزیه روز عشاوری این روستا که از شهرت و قدمت خاصی برخوردار است، به بندرگاه می‌آیند.

پاییدن هم‌زمان نیروگاه و مصالح ساختمانی!

در مسیر حرکت به این روستاها با عبور از تابلوی بتونی بزرگی که روی آن نوشته «حریم ۵ کیلومتری نیروگاه اتمی بوشهر» اولین چیزی که به آن برخورد می‌کنید، پست ایست و بازرسی است که با افراد همیشه مسلح توجه تازه‌واردان را جلب می‌کند؛ نیروهایی که علاوه بر حفاظت از محدوده اطراف نیروگاه، در چند سال اخیر وظیفه ممانعت از ورود مصالح ساختمانی (سنگ، سیمان، گچ و...) به هلیله و بندرگاه را هم برعهده گرفته‌اند. از سال ۸۱ تاکنون ساخت‌وساز در این دو روستا ممنوع اعلام شده و طبق گفته ساکنان محلی، ددرس‌های همراه‌داشتن سیمان و گچ دست‌کمی از حمل مواد مخدر ندارد! اما این محدودیت‌های سخت‌وسخت که بر جنبه‌های مختلفی از زندگی این روستاییان از ازدواج فرزندان‌شان گرفته تا تعمیر خانه‌های در حال فروریختن تأثیر گذاشته، محدودیت‌هایی موقت بوده‌اند که در یک تصمیم یک‌طرفه و نانوشته از طرف مسئولان دائمی

گزارشی از وضعیت زندگی و مشقت‌های ساکنان ۲ روستای مجاور نیروگاه اتمی بوشهر

بلا تکلیفی؛ سهم همسایگان از نیروگاه اتمی



شده است، چراکه طبق مصوبه هیأت وزیران در سال ۸۶ روستاها در دو سال باید تعیین‌تکلیف می‌شدند و در غیر این‌صورت همه محدودیت‌های ساخت‌وساز و ایجاد امکانات رفاهی برای مردم باید رفع می‌شده است؛ مصوبه‌ای که توپ آن بعد از گذشت دو سال اول و انقضای ماهیت آن، از سازمان انرژی اتمی به وزارت کشور پاس داده شده و هر وقت بحث‌ها درباره این موضوع داغ می‌شود، این دو مجموعه نیز آن را به زمین شورای امنیت ملی پرت می‌کنند.

ساکنان و برخی کارشناسان محلی معتقدند ممنوعیت ساخت‌وساز و جلوگیری از ورود مصالح به این دو روستا برپیمای مصوبه شورای تأمین استان است که تحت فشار مدیران نیروگاه صورت گرفته و تقریباً همه مسئولان استانی با این ممنوعیت مخالفند. یکی از مسئولان شهرستان با اشاره به اینکه

این موضوع تا حدودی امنیتی محسوب می‌شود و درخواست می‌کند نامی از او در این گزارش برده نشود، ضمن تأکید بر مخالفت بسا این قانون، می‌گوید: «حتی اخیراً که یکی از ساکنان محلی به جرم انتقال مصالح به این دو روستا بازداشت شد، به دلیل نبود قانون مصوب و روشنی درباره این ممنوعیت‌ها، قرار منع تعقیب برای وی صادر شده است». سایر مسئولان شهر باوجود اذعان به غیرمنطقی‌بودن شرایط حاکم بر

زندگی اهالی هلیله و نیروگاه، با اظهارنظر صریح و بتونی بزرگی که روی آن نوشته «حریم ۵ کیلومتری نیروگاه اتمی بوشهر» اولین چیزی که به آن برخورد می‌کنید، پست ایست و بازرسی است که با افراد همیشه مسلح توجه تازه‌واردان را جلب می‌کند؛ نیروهایی که علاوه بر حفاظت از محدوده اطراف نیروگاه، در چند سال اخیر وظیفه ممانعت از ورود مصالح ساختمانی (سنگ، سیمان، گچ و...) به هلیله و بندرگاه را هم برعهده گرفته‌اند. از سال ۸۱ تاکنون ساخت‌وساز در این دو روستا ممنوع اعلام شده و طبق گفته ساکنان محلی، ددرس‌های همراه‌داشتن سیمان و گچ دست‌کمی از حمل مواد مخدر ندارد!

اما رئیس وقت اداره بافت‌های فرسوده اداره‌کل راه و شهرسازی استان بوشهر در گفت‌وگویی با تأیید مشکلات موجود در روستاهای هلیله و بندرگاه، به مصوبه آذر ۸۹ مجلس شورای اسلامی اشاره می‌کند که براساس آن، برابر برنامه پنجم توسعه هرگونه ساخت‌وساز در حریم نیروگاه و تأسیسات هسته‌ای کشور، ازجمله نیروگاه اتمی بوشهر ممنوع است. حسین حسن‌زاده گفته از یک سو و براساس مصوبه دولت، طرح انتقال و جابه‌جایی روستاهای هلیله و بندرگاه مطرح می‌شود و از سوی دیگر، به فاصله زمانی نه‌چندان زیاد، طرح هادی روستا تصویب می‌شود و به توسعه روزافزون آنها دامن می‌زند. وی راهکار برون‌رفت از این مشکل را پایندی نیروگاه اتمی

جامعه

گزارشی از وضعیت زندگی و مشقت‌های ساکنان ۲ روستای مجاور نیروگاه اتمی بوشهر

مجلس جلسات خوبی با اعضای کمسیون امنیت ملی در مجلس و دفتر ریاست‌جمهوری داشته است و قرار بر این شده در اسرع وقت دکتر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی شخصاً در منطقه حضور یافته و بیکر مشکلات مردم به صورت اساسی شود. خدری اعلام کرده در صورت تعیین‌تکلیف‌نشدن انتقال مردم یا برداشتن محدودیت‌ها، به نشانه اعتراض محل زندگی خود را به یکی از این دو روستا منتقل خواهد کرد!

فصلاب رهاشده نیروگاه در محیط زیست از دیگر مشکلات اهالی است که وارد فاز جدیدی شده است و مسئولان بعد از فشار سازمان محیط‌زیست برای تصفیه، کانال روباز چهارهکتاری احداث کرده‌اند که با خانه‌های مردم ۷۰۰ متر و با نخیلات بی‌رقم آنها ۲۰۰ متر فاصله دارد و با وزش اندک بادی، بوی تعفن اهالی را کلافه می‌کند. نگرانی از شیوع بیماری در کنار فاضلاب رنج‌گاه هسته‌ای هم به‌به یکی از نگرانی‌های جدی اهالی و مسئولان محلی تبدیل شده است.

محمد، بنای ساختمان و از اهالی قدیمی هلیله درباره وضعیت فعلی و انتظارات مردم منطقه می‌گوید: مردمی که در دوران هشت سال دفاع مقدس برای حفاظت از نیروگاه، پست نگهبانی تشکیل داده و در بمباران آن شهید داده‌اند، این روزها برای خرید مایحتاج ضروری و استفاده از بیمارستان و پست‌بانک محوطه نیروگاه باوجود عبور از ورودی مجزاً از تأسیسات نیروگاه، حتماً باید کارت شناسایی و ضمانت معتبر داشته باشند. اهالی بی‌ادعا و صبور هلیله و نیروگاه در بازدیدهای مسئولان دولت حاضر، سابق و اسبق هیچ‌گونه حقوق‌وحروقی در قبال زمین‌های کشاورزی از دست‌رفته‌شان نداشته و خواسته خارج از عرفی ندارند. ما می‌گوییم تکلیف ما را مشخص کنید اگر قرار است برویم، می‌رویم اما چگونه؟ کجا؟ اگر هم قرار است بمانیم با این وضعیت بلا تکلیف نمی‌شود.

محسن هم که دانشجوی مهندسی عمران است و در این منطقه زندگی می‌کند، در رابطه با مسئله انتقال روستاها و وعده‌های عملی‌نشده می‌گوید: «مگر در مجلس نهم ۱۵۰ میلیارد تومان برای انتقال روستاهای ما مصوب نشد، پس چه شد؟ اگر انتقالی در کار نیست حداقل بگذارید سقف خانه‌هایمان را تعمیر کنیم تا بر سرمان آوار نشود، مدرسه بچه‌هایمان را بازسازی کنید که از سال ۵۴ تاکنون بازسازی نشده است. صیادانی که با مشقت و امکانات اولیه از طریق دریا روزگار می‌گذرانند، درخواست لایروبی اسکله را دارند تا حدود ۵۰ قایق و ۲۰۰ صیاد امید به آینده داشته باشند».

اهالی می‌گویند قرصی که قرار بود برای بالابردن ضرب ایمنی به ما بدهید پیشکش، حداقل شرایط استفاده بی‌دردرسر از اورژانس و درمانگاه را برای ما فراهم کنید. اهالی گلابه‌ای از بلاژ اختصاصی شالان روسی ندارند و می‌گویند رسم میهمان‌ناوای بوشهری است که همه‌چیز را برای میهمان فراهم می‌کنند، اما انتظار داریم به‌جای پلاژ، مدرسه بچه‌های‌شان بازسازی شود تا مبدا سقف قدیمی آن بر سر ۲۰۰ دانش‌آموز مدرسه آوار شود.

برآوردهای کارشناسان حاکی است جابه‌جایی و انتقال این دو روستا حدود ۸۰۰ میلیارد تومان هزینه خواهد داشت. در این شرایط عده‌ای پیشنهاد می‌کنند با توجه به وضعیت اقتصادی کشور و محدودیت‌های مالی دولت، منطقی‌ترین راهکار در این شرایط این است که ضمن به‌کارگیری روش‌های پیشگیری و افزایش ضرب سلامت مردم، مانند مصرف مداوم قرص ید، به ساکنان محلی اجازه داده شود تعمیر و بازسازی منازل‌شان را انجام دهند. از طرفی می‌توان برپیمای قیمت کارشناسی‌شده زمین‌ها و خانه‌های کسانی که خود تمایل به ترک روستا دارند، خریداری شود.

دریچه

ما پزشکان چه کرده‌ایم؟

دکتر مهران مؤمنی

متخصص بیماری‌های داخلی و قلب و عروق

● ما پزشکان مفتخریم به صاحب‌علم‌الابدان بودن که هم‌سنگ علم‌الادیان گفته شده. در فرهنگ ما، انتظار نوعی حکمت و معرفت در جامعه پزشکی، مقبول افتاده و این رشته آن‌چنان قداستی دارد که دیگران حق دارند بهترین‌ها را از ما طلب کنند و کمترین خطایی را بر تانابند. حتی بر سر ما فریاد بزنند و از سر استیصال انتظار معجزه داشته باشند. حتی اقلیتی ناچیز با میلیاردها ثروت، حق دارند بر ما بتازند و تهمت مال‌اندوزی زنند و صد‌ها برابر آن وزیرت را هزینه تفریحات یک‌ساعته خود کنند و ثقل محفلشان هم پول‌پرستی پزشکان باشد. آری؛ حتی آنها نیز حق دارند و انتظاری بزرگ از این رشته و صاحبان آن، در فرهنگ ما نهاده‌ینه شده است. بر جای حکما تکیه‌زدن، بهایی دارد. چون همیشه حق با بیمار است، نباید گله‌ای کرد؛ حتی اگر من و امثال من، پس از سال‌ها طبابت، هنوز در هزینه‌های زندگی خود مانده باشیم. نباید گله‌ای کرد؛ حتی اگر با سبلی، صورت خود را سرخ نگاه داریم که سر خود را از نگاه داشته و به حضور در میدان علم و هنر بر خود می‌بالیم و در مقابل زران‌دوزان، گردن بالا گرفته و چه زیبا با ضعیفان، بدون دریافت وزیرت، می‌گوییم و می‌خندیم و گریستن آغاز می‌کنیم. کدام حرف‌های این‌چنین مفتخر است؟ از جمعیت تقریباً صد‌هزار نفری ما، حدوداً کمتر از ۱۰ درصد هم نیستند که با مردم درست رفتار نمی‌کنند و اکثر ما، چوب بی‌فایانی اخلاقی و گاهی علمی آنها را به جان خریدیم و در جایی که حتی در کشورهای جنوبی ما، با بهترین امکانات مالی و رفاهی، آرزوی همکاری با ما را دارند، با همه سختی‌های معیشتی، با افتخار تمام در کشور خود زندگی کرده و سربلندیم. حرف بسیار است. آری می‌شود فوتبالیست نبود ولی فوتبال را فهمید، می‌شود دانشمند نبود ولی ارزش یک کار علمی را درک کرد. می‌شود پهلوان نبود ولی پهلوانان را شناخت؛ و می‌شود پزشک نبود، ولی پزشک خوب و مردم‌دار و اخلاق‌مدار را شناسایی کرد و نقدشان کرد. اینجا روی سخنم با همکاری است که در کمال تعجب می‌گویند: چرا مردم درباره ما قضاوت می‌کنند؟ مردم مردم پزشکی می‌دانند؟ این چه سخن سخنی است؟ وجدان عمومی و خرد جمعی، همین است. مردم عزیز ما می‌فهمند و فرق پزشک خوب را از دیگری تشخیص می‌دهند. مردم که به قول شما، پزشکی نمی‌دانند، قطعاً روش درمانی «الف» یا «ب» را نقد نمی‌کنند. آنها نتیجه را می‌بینند و رفتارهای ما را رصد و نقد می‌کنند. وقتی که با مردم رابطه خوبی برقرار باشد و با احترام با آنها صحبت شود و برایشان وقت گذاشته شود و با دقت و حوصله، روش‌های تشخیص و درمانی برای ایشان توضیح داده شود، آنجاست که اگر نقدی باشد، به نفع پزشکان بوده و در بالاترین جایگاه در جامعه، خواهند نشست. ولی آیا ما این‌گونه‌ایم؟ چه تعداد از ما خود را از قافله سرمایه‌داران و تاجر محترم کشور جدا کرده است؟ ما را با آنها چکار، که در مسابقه‌ای بی‌پایان، وارد شده و اعداد و ارقام شماره می‌کنیم؟ این هدف اصلی ما نبود وقتی که طب را آغاز کردیم؟ در کجای دنیا یک طبیب خود را با بازرگانان مقایسه می‌کند که ما این‌گونه الگوبرداری کرده‌ایم؟ تعرفه‌ها ناعادلانه است؟ تعرفه‌ای که تنها محل درآمد اکثریت قریب‌به‌اتفاق این قشر عظیم است. آری.

ادامه در صفحه ۱۷

			۵		۸	۲	
							۷
		۱	۲	۶			
					۳	۱	۹
		۶					
			۲	۷	۹	۵	
				۸	۱		۷
					۴	۹	۸
		۴	۶		۲		
				۳			۱
			۹	۵			۴

			۲				۵
					۳		
۵	۷	۲					
		۳	۱			۷	
				۴			۳
۹				۹			
	۴						
۶	۱			۸		۴	
۱	۸			۹			
				۳	۷		۵
			۹		۸	۲	۶

سودوکو سخت ۱۶۲۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۶۲۰

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌ده‌ای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵	۸	۱	۶	۷	۲	۴	۳	۹
۶	۳	۹	۸	۴	۷	۵	۱	
۷	۲	۹	۱	۳	۵	۲	۶	۸
۹	۲	۳	۷	۴	۱	۶	۸	۵
۱	۴	۵	۲	۵	۸	۳	۹	۷
۸	۶	۷	۳	۶	۹	۱	۲	۴
۳	۹	۵	۴	۱	۶	۸	۷	۳
۴	۱	۸	۵	۲	۷	۹	۳	۶
۴	۷	۶	۸	۹	۳	۵	۱	۲
۴	۷	۶	۸	۹	۳	۵	۱	۲

۲	۴	۷	۹	۳	۱	۶	۵	۸
۱	۸	۹	۵	۲	۶	۴	۷	۳
۵	۶	۳	۷	۸	۴	۱	۹	۲
۶	۷	۲	۱	۸	۳	۴	۹	
۳	۹	۱	۶	۴	۷	۲	۸	۵
۴	۲	۸	۳	۵	۹	۷	۱	۶
۸	۳	۴	۷	۵	۹	۶	۱	
۷	۱	۶	۸	۹	۴	۵	۲	۴
۹	۵	۴	۱	۶	۲	۸	۳	۷

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶
۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱
۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶
۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱
۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶
۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱
۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶
۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱
۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۶

جدول ۲۶۲۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶
۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱
۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶
۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱
۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶
۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱